

تحلیل مضامین سرودهای ملی انقلابی کشورهای

ایران، روسیه و فرانسه

شهره پیرانی^۱، زاهد غفاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۱، تاریخ تایید: ۹۸/۱۰/۰۵

چکیده

سرودهای ملی به همراه پرچم، مهم‌ترین نمادهای ملی کشورها هستند و از نظر رتبه‌بندی در دسته «الف» نمادهای ملی قرار می‌گیرند. از این رو کشورها در انتخاب سرودهای ملی، دقت نظر ویژه‌ای دارند. هدف اصلی این مقاله، بررسی مقایسه‌ای مفاهیم اساسی سرودهای ملی کشورهای ایران، روسیه و فرانسه است. سه کشوری که با سه ایدئولوژی متفاوت، سه انقلاب مهم عصر مدرن را پشت سر گذاشته‌اند. با توجه به اهمیت سرودهای ملی به عنوان یکی از نمادهای ملی در دولت‌های مدرن، در این مقاله، به بررسی مفاهیم اساسی مندرج در سرود ملی سه کشور پس از وقوع انقلاب اشاره و سعی شده است بر اساس روش تحلیل مضامین با ترسیم شبکه مضامین و روش مقایسه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری از منابع مرتبط، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که مفاهیم اساسی و ارزشی - انقلابی در سرودهای ملی ایران، فرانسه و روسیه کدامند و وجوه تفاوت و تشابه آنها در این باره چیست؟

واژگان کلیدی: سرود ملی، نمادها، مفاهیم اساسی و انقلابی، ایران، فرانسه، روسیه، ناسیونالیسم، انترنسیونالیسم.

۱ استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)؛

sh.pirani@shahed.ac.ir

۲ استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد؛ ghafari@shahed.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در علوم اجتماعی و سیاسی نمادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ چرا که هم در رساندن افراد و گروه‌ها به اهدافشان موثرند و هم مستقیماً در مرکز مسائلی مثل قدرت، اقتدار، فرهنگ سیاسی، وحدت گروهی و ثبات و تغییر اجتماعی درگیرند. هر ملتی نمادهای خاصی دارد که البته ازلی و ابدی نیستند، ولی دربردارنده ایده‌های نامشهود و منحصر به فرد آن ملت است.

«کوهن»^۱ (۱۹۹۵) مهم‌ترین ویژگی نمادها را معنابخشی آنها می‌داند، در حالی که «الگنیوس»^۲ علاوه بر معنابخشی ایجاد ذهنیت و آگاهی مشترک را از کارویژه‌های نمادها می‌داند (ELGENIUS, 2005: 21). این نمادها اغلب هویت جمعی را برای شهروندان یک دولت - ملت به ارمغان می‌آورد. هویت جمعی دربردارنده ویژگی‌هایی است که سبب ایجاد «ما» شده و اعضای یک جامعه را از «دیگر»ان متمایز می‌کند (فرقانی و اکبرزاده جهرمی، ۱۳۹۳: ۱۴).

نمادهای ملی به عنوان قوی‌ترین و روشن‌ترین نشانه هویت ملی، ترکیبی از ماهیت یک جامعه، عصر تاریخی و سطح مشخصی از توسعه یک کشور هستند (Shtankola & et. al., 2016: 2). نمادها نشانه‌های مدرنی هستند و کشورهایی که نماینده آنها هستند را از سایر کشورها جدا می‌کنند و بر مرزهای هویتی‌شان دارند (غفاری هاشجین و احمدی، ۱۳۹۴: ۵).

از جمله نویسندگانی که نمادهای ملی را مد نظر داشته‌اند؛ «هابسبام»^۳، «انتونی اسمیت»^۴ و «مایکل بیلینگ»^۵ می‌باشند. اسمیت علاوه بر تأکید بر وحدت‌بخشی و هویت‌سازی نمادها (Likhacheva, 2009: 10) همراه با بیلینگ بر تفاوت نمادهای ملی در کشورهای تازه تأسیس با کشورهای باقدمت تأکید دارد و هابسبام بر خاصیت اتحادبخشی نمادها حتی اگر گذشته و نماد مشترکی نباشد با «اختراع سنت» تأکید دارد (ELGENIUS, 2005: 28; Kolstø, 2006: 4). اسمیت پرچم‌ها و سرودها را ابزارهایی سودمند برای ملت‌سازی می‌داند که می‌توانند نقشی مثبت در یادگیری هویت ملی، از آن را که ذاتی و طبیعی نیست، داشته باشند (Kolsto, 2006: 4). پرچم و سرود ملی به عنوان نمادهای دسته «الف» در دسته‌بندی نمادهای ملی قرار داشته که بیشترین اهمیت و به عنوان ابزارهای تقویت و تثبیت هویت ملی یک کشور را دارند.

1Cohen

2 Alginios

3 Hobsbawm

4 Anthony John Francis Smith

5 Michael Billington

در این مقاله، تلاش شده تا بر اساس روش تحلیل مضمون با رویکرد شبکه مضامین و مقایسه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری از منابع مرتبط به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که مفاهیم اساسی و ارزشی - انقلابی در این دو سرود، کدامند و وجوه تفاوت و تشابه آنها در این باره چیست؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

سرودهای ملی بیانگر آرمان‌ها و اهداف کشورها هستند. سه کشور «ایران»، «فرانسه» و «روسیه»، سه انقلاب تأثیرگذار را در دو سده پشت سر گذاشته‌اند که سه ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت را در پی داشته‌اند. هر یک از این سه انقلاب، تأثیراتی بر جوامع پیرامون و حتی دنیا داشته‌اند. بخشی از این تأثیرات، از طریق سرودهای ملی این کشورها بوده است، از این رو بررسی تأثیرات انقلاب در نمادهای ملی این سه کشور با سه دیدگاه متفاوت و دلایل تأثیرگذاری این انقلاب‌ها بر جوامع بیرون از کشور انقلابی، ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف پژوهش

در این مقاله، در پی این هستیم که مفاهیم اساسی و ارزش‌های مندرج در سرودهای ملی پس از انقلاب سه کشور ایران، فرانسه و روسیه را بررسی کنیم و با نگاهی مقایسه‌ای وجوه تفاوت و تشابه آنها را که خود متأثر از تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی زمینه‌ساز انقلاب در این سه کشور است را دریابیم.

در این مقاله، از روش «تحلیل مضمون» استفاده شده است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های کیفی است که در رشته‌های مختلف علوم انسانی کاربردهای زیادی دارد و می‌تواند تحلیل‌های معقولی در پژوهش‌ها انجام داده و به سؤالات پژوهش پاسخ دهد. در تحلیل مضمون، برخلاف تحلیل محتوا که واحد تحلیل یک «واژه» یا «اصطلاح» است، به بافت داده‌ها و نکات مستتر در آن توجه می‌شود. تحلیل مضمون از شمارش تعداد واژگان فراتر رفته و بر بازشناسی و توضیح ایده‌های آشکار یا مکتون تمرکز می‌کند (عابدی جعفری و همکاران ۱۳۹۰: ۱۵۶ و ۱۵۷). شناخت مضمون، از مهم‌ترین مراحل پژوهش است. تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که به واسطه آن داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند. در تحلیل مضمون، اطلاعات ظاهراً نامرتبط، به گونه‌ای نظام‌مند به هم مربوط می‌شوند. این روش در سه سطح؛ «مضامین پایه» (کدها و نکات کلیدی درون متن)، «سازمان‌دهنده»

مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و «مضامین فراگیر» (مضامین عالی در بر گیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند کرده و طرحی از کل مضامین ارائه می‌شود و در آن طرح جاگذاری می‌شود (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

تحلیل مضمون به روش‌های گوناگون قابل اجراست؛ از آن جمله «قالب مضامین»، «ماتریس مضامین»، «شبکه مضامین» و «تحلیل مقایسه‌ای» (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۶) در این مقاله، از روش شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای تحلیل مضمون استفاده شده است. بدین صورت که هم مضامین سه سرود ملی مورد مقایسه قرار می‌گیرند و هم شباهت‌ها و تفاوت‌های سه سرود، شناخته می‌شود و از سوی دیگر، با توجه به محتوای سرودها، شبکه مضامین هم ترسیم شده است. شبکه مضامین در سه سطح مضامین پایه - که پایین‌ترین سطح قضایا را از متن استخراج می‌کند- مضامین سازمان‌دهنده - که با دسته‌بندی مضامین پایه و تلخیص آنها به مفاهیم انتزاعی تر دست پیدا می‌کند- و مضامین فراگیر، مضامین عالی را در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آورد. سپس این مضامین به صورت شبکه، ترسیم می‌شود. بر این اساس، نگارندگان، در پی عرضه تفصیلی تر و جزئی تر مضامین با استفاده از روش استقرایی و در جهت پاسخ به پرسشی مشخص که در بالا آمده برای بازشناسی مضامین مشهود و مکنون در این سه سرود هستند.

سرود ملی

«کاستوریادیس»^۱ (۱۳۱: ۱۹۸۷) بر این باور است که «نماد ملی، یک نشانه است که می‌توان برای آن جان داد». خاستگاه سرودهای ملی به عنوان یکی از نمادهای ملی، ناسیونالیسم و هویت ملی هستند. همانگونه که کراوفورد (Crawford, 2011) اشاره می‌کند؛ تنها نماد ملی قابل شنیدن در دنیای امروز، سرود ملی است که پس از پرچم با اهمیت‌ترین نماد ملی هر کشور نیز به حساب می‌آید. در واقع از آنجا که اشعار سرود ملی، موضوعاتی از قبیل مراجعه به گذشته با شکوه ملی، احترام به و عشق به میهن و موضوعاتی از این دست را در بر دارد، مردم با همسرایی یا شنیدن سرود ملی کشورشان به تصاویر مشابه، احساسات و اتحادها و مشارکت در اجتماعی شدن ملی مرتبط خواهند شد (Gilboa, 2009: 459; Kyridis & et.al., 2009). این نماد، باعث به وجود آمدن حس عضویت در یک جامعه خاص و نیز ایجاد حس مطلوب و مثبت در اعضای

1 Castoriadis

یک جامعه می‌شود. دولت‌ها از این قبیل نمادها که تأثیر آنی بر شهروندانشان دارد، برای تقویت و پیگیری اهداف خود استفاده می‌کنند (Cerulo, 1989; Yuchen, 2010:2).

قدیمی‌ترین سرود ملی متعلق به هلند در ۱۵۶۸ میلادی است (Cusack, 2005)، اما مفهوم یک ترانه یا سرود ملی در انگلستان در سال ۱۷۴۰ با قوانین ناسیونالیستی بریتانیا ظاهر شد (Richard, 2009).

همه سرودهای ملی از دو عنصر «موسیقی» و «شعر» تشکیل می‌شوند (Bohlman, 2004: 81) که بی‌تردید، اهمیت ملودی، بیش از شعر در رویدادهای بین‌المللی است (Crawford, 2011: 21)؛ چرا که مهم نیست شنوندگان همزبان با سرود ملی باشند، ملودی سرود ملی قابل درک برای همه مردم جهان است و شبیه رنگ پرچم، جهانی است (Toader-Williams, 2017).

تاریخچه سرود ملی در جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص دو سرود، به عنوان سرود ملی ارائه شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدت کوتاهی سرود «ای ایران» به عنوان سرود ملی معرفی شد، اما به زودی سرود «پاینده بادا ایران» جای آن را گرفت. ملودی این سرود را «محمد بیگلری‌پور» بر روی شعری از «ابوالقاسم حالت» و در فاصله زمانی ۲۵ بهمن تا ۱۵ اسفند سال ۱۳۵۷ ساخت و به‌علت تعطیلی استودیوهای صدا و سیما در آن زمان، این کار با ارکستر سمفونیک و گروه گر در خارج از صدا و سیما اجرا شد (فرازمند، ۱۳۹۴) و به گفته آهنگساز این اثر، در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بلافاصله پس از اعلام نتیجه همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در ایران توسط امام خمینی، برای اولین بار پخش شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۱: سایت). سرود این‌گونه آغاز می‌شد: «شد جمهوری اسلامی بیا * که هم دین دهد هم دنیا به ما». این سرود ۱۲ بیتی با این مصرع پایان می‌یافت: «در سایه قرآن جاودان * پاینده بادا ایران». در این سرود علاوه بر استفاده از عناصر اسلامی به عنوان ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، انقلاب، برپایی حکومت اسلامی، آزادی، وطن، سلحشوری، انقلاب و نظام سرنگون شده استفاده شده است.

اولین سرود ملی جمهوری اسلامی پس از ۱۳ سال به دلیل طولانی بودن، با سرود «سر زد از افق» جایگزین شد، در مورد دلایل این جایگزینی، و تفاوت‌های دو اثر که به نوعی ضرورت این جایگزینی را برجسته می‌سازد، مباحث متعددی مطرح شده است. آقای «محمد هاشمی» رئیس وقت سازمان صدا و سیما، به دیدگاه مقام معظم رهبری برای تغییر سرود ملی این‌گونه اشاره

می‌کنند: «ایشان در آن جلسه مطرح کردند که مثلاً این سرود جمهوری اسلامی سرود خوبی است، ولی به دلیل طولانی‌بودن یا به دلیل بعضی از اشکالات دیگری که آن وقت مطرح کردند، مناسب سرود ملی نیست. این بود که مطرح کردند بهتر است این سرود عوض بشود. مقام معظم رهبری درباره محتوا و موسیقی سرود جایگزین نیز نظرات خود را در آن جلسه مطرح می‌کنند؛ سرود جمهوری اسلامی حتماً باید موجز باشد و حتماً دارای لحن حماسی باشد، از ریشه‌های موسیقی ایرانی برخوردار باشد و احیاناً شعری که برای این سرود، سروده خواهد شد، ذکری از حضرت امام و شهدا حتماً در آن وجود داشته باشد. پس از فراخوان و ارسال قطعات مختلف، در نهایت از بین سه ملودی نهایی، رهبر «سرود ملی فعلی را از جهت روان بودن ملودی و اینکه راحت می‌شود سرود و ملودی آن را به خاطر سپرد و اینکه به دلیل فراز و نشیب‌های مناسبی که دارد و از همه مهم‌تر، مقدمه، پیش‌آگهی و فان‌فار آن انتخاب کردند» (سرود ملی جمهوری اسلامی چگونه تغییر کرد؟ - دیگران (khamenei.ir)).

آهنگساز سرود ملی «سرزد از افق»، دکتر «حسن ریاحی» و شاعر «ساعد باقری» بود. وی سرود را با مطالعه و بررسی سرودهای ملی موفق کشورهای مختلف دنیا، با الهام از موسیقی ایرانی، در دستگاه ماهور (مازور فرنگی) ساخت و به‌طور رسمی، شب سوم خردادماه ۱۳۷۱، سرود جدید ملی جمهوری اسلامی ایران جایگزین سرود پیشین می‌شود.

بررسی محتوایی دو سرود ملی جمهوری اسلامی ایران

از مقایسه محتوای دو سرود جمهوری اسلامی، نکات قابل توجهی به دست می‌آید. در کنار اشتراکات دو سرود در مفاهیم و ایده‌ها و تأکید بر عناصر و مؤلفه‌هایی چون پابندگی، جمهوری اسلامی، ایران، ایمان، انقلاب، پیروزی، آزادی، آینده روشن و آرمان‌های انقلابی بشردوستانه، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. بیش از هر چیز، شرایط و زمانه سرودن سرودها در شکل‌گیری و تفاوت مفاهیم آنها موثر بوده است.

آغاز سرود اول به برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند (شد جمهوری اسلامی به پا) که به‌طور روشنی متأثر از شرایط انقلابی روزها و ماه‌های ابتدای انقلاب است. در این دوره، با توجه به اینکه هدف پیروزی سرنگونی نظام شاهنشاهی بوده که محقق شده است، برپایی این نظام در داخل سرزمین ایران اهمیت می‌یابد؛ برخی از وجوه اصلی سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران در سرود دوم قابل مشاهده است از آن جمله «استقلال» و «دولت نمونه و الگو» است.

در «سر زد از افق» با استفاده از صنعت استعاره^۱ یک رابطه تشبیه میان نظام جمهوری اسلامی و خورشید برقرار می‌کند؛ هر دو از شرق طلوع کرده و به انتشار نور امید می‌پردازند. استفاده از عنصر شرقی (خاوران) در تقابل با مؤلفه غربی، خود از جمله نکات قابل توجه است؛ این تقابل از سویی اشاره به یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی یعنی «استقلال» دارد و از سوی دیگر، عنصر شرقی در پرتو مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی آن قابل تعریف است. برآمدن نور و روشنایی از مشرق، به عنوان نویدبخشی برای حق‌پویان عالم دیده می‌شود (فروغ دیده حق‌باوران). گویی انقلاب اسلامی در دوره تثبیت خود به عنوان یک نمونه آرمانی برای سایر پی‌جویان حق، قابل تکیه و الگوبرداری است. آرمانی که در دوره سرودن سرود دوم از سوی دولت وقت؛ یعنی دولت آقای «هاشمی رفسنجانی» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شد (ن. ک دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر واژه «مهر» در سرود دوم «چه به معنی ایزدمهر در فرهنگ ایران باستان باشد و چه به معنی خورشید باشد، زاینده پلیدی و یاری‌رسان نیکی‌هاست» (حیدی و نپازی، ۱۳۹۵: ۱۶۶). در هر دو صورت، معنای مثبتی را به ذهن متبادر می‌کند.

در سرود اول، دو مقوله دنیاگرایی و معنویت‌خواهی؛ مطلوب تلقی شده و نظام جمهوری اسلامی عامل تحقق آنها معرفی شده است؛ «شد جمهوری اسلامی به پا/ که هم دین دهد هم دنیا به ما»، اما سرود دوم، بیشتر تجلی‌گاه ارزش‌ها و آرمان‌های عقیدتی و مذهبی است. در سرود اول، کاربست واژگانی چون «دنیا»، «سود» و «رفاه»، تداعی‌گر نوعی دستاوردهای ملموس و مادی انقلاب اسلامی است که در سرود دوم، با تأکید بر «مهر»، «حق»، «ایمان»، «جان»، «استقلال» و «جمهوری اسلامی ایران»، بیان غیرمادی دستاوردهای انقلاب اسلامی مطمح نظر قرار می‌گیرد.

با این وجود؛ «در این دو سرود جمهوری اسلامی نوعی تناسب از حیث پرداختن به عناصر ملی و دینی یافت می‌شود. در سرود اول، در کنار واژگانی مانند «اسلام»، «خدا»، «دین»، «ایمان»، واژگانی چون «ایران»، «اتحاد»، «شور» و «سلحشوری» نیز وجود دارد که برانگیزاننده همبستگی ملی است. در سرود دوم این تناسب بیشتر خصلت ایرانی پیدا کرده است. در این

1. Metaphor

سرود، در کنار اصطلاحات «حق‌باوران»، «ایمان»، «اسلام»، «شهید»، از «مهر خاوران» برای اشاره به انقلاب اسلامی ایران استفاده شده است. از بهمن، ماه پیروزی انقلاب به عنوان فرّایمان یاد شده است» (مرشدی زاد، ۱۳۸۷: ۱۶۶). در سرود دوم با اضافه کردن «ایران» به جمهوری اسلامی، ایرانی بودن نظام مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در سرود اول، مسئله محوری، بیان پیروزی انقلاب و حصول آن از طریق اتحاد و ایمان دینی افراد است که در پناه و سایه قرآن کریم حاصل می‌شود؛ در سرود «پاینده باد ایران»، با توجه به اینکه در ماه اول پس از پیروزی انقلاب سروده شده است، اشاره به گذشته و نظام تازه سرنگون شده و پشت سر گذاشتن «شام سپاه سختی» و نیز امید به آینده روشن پیش روی انقلاب به عنوان «پاداش سلحشوری» برجسته است؛ اما در سرود دوم، به این مسئله و بیان چگونگی پیروزی انقلاب اشاره‌ای نمی‌شود و تلاش بر این است تا به مسائل بعد از انقلاب و میراث جاودان امام و شهدا در شکل «استقلال، آزادی» توجه شود. این مسئله به این باز می‌گردد که سرود دوم، در دوره تثبیت انقلاب اسلامی و سال‌های پس از جنگ سروده شده است؛ دورانی که پیروزی انقلاب و تثبیت آن بدیهی است؛ در صورتی که سرود اول در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب و اوج هیجان این دوران سروده شده است.

سرود اول، به لحاظ زبان شعری، هم زبانی صریح‌تر و بیانی مستقیم‌تر دارد، ولی در سرود دوم، کمتر به بیان جزئیات امور پرداخته می‌شود، چنانچه گویی در سرود اول بیشتر عرضه محتوا و بیان مسائل اهمیت داشته و در دومی عمدتاً بیان موسیقایی و آهنگین مباحث، توأم با انتقال مفاهیم و ارزش‌های مورد نظر اولویت می‌یابد. در سرود اول، فضای شعری، مُلهم از حال و هوای انقلابی است و گزارش کلیت عمل انقلابی، در شکل پیروزی حق بر باطل، به‌طور متوالی و پشت سر هم با منطقی مشابه صورت می‌گیرد، ولی در سرود دوم، چونان وضعیتی که در آن، تشریح پیروزی به دلیل روشن بودن آن، این‌بار جای خود را به بیان استقرار نظام سیاسی، در یک فضای آرام و تثبیت‌شده می‌دهد و در عمل، شعر بیشتر ناظر به وضعیت روز و آینده است. پشت سر گذاشتن هشت سال جنگ تحمیلی که خود محک بزرگ برای تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران بود در واژگان سرود دوم به خوبی تجلی یافته است. گویی اعتماد به نفس به راه پشت سر گذاشته و اطمینان از آینده در واژگان سرود دوم به شکل برجسته‌تری نمود یافته است.

واژگان «فرّ» و «ایمان» در سرود دوم، به نقش مهم اسلام در پیروزی انقلاب اشاره دارند و وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها، به دلیل تکیه بر نیروی معنویت برجسته می‌شود. اسلامی بودن انقلاب در سرود اوّل، توسط عباراتی چون؛ «قرآن»، «دین» و «خدا» مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در سرود دوم در مقایسه با سرود اوّل، عنصر مهم رهبری، با توجه به اینکه در پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان نقشی مهم داشت، برجسته می‌شود. در سرود اوّل، هیچ اشاره‌ای به مؤلفه رهبری نشده است.

مهم‌ترین پیام و شعار انقلابی سال ۱۳۵۷ که همان شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» است، نیز در سرود دوم با صراحت بیان می‌شود. در سرود اوّل به دو عنصر آزادی و جمهوری اسلامی به‌طور آشکار و به عنصر استقلال به صورت پوشیده در اشاره مکرر به ضمیر «ما»، «قرآن» و «ایران» اشاره شده است.

اشاره به اینکه پیروزی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران مرهون جان‌فشانی شهدای انقلاب اسلامی است نیز در هر دو سرود مورد اشاره و مورد تأکید قرار گرفته است؛ در سرود اوّل «آزادی چو گل‌ها در خاک ما / شکفته شد از خون پاک ما / ایران فرستد با این سرود / رزمندگان وطن را درود» هم اشاره به ایثار این شهدا در راه پیروزی انقلاب دارد و هم قدرشناسی از نیروهای انقلابی را دربر می‌گیرد. در سرود دوم با اشاره به زنده بودن شهیدان و پیامشان برای طول تاریخ و زمان، خواست و هدف آنان که همانا برقراری و پایداری جمهوری اسلامی است را مورد تأکید قرار می‌دهد.

ملودی ملایم سرود دوم، تداعی‌بخش عبور از دوران جنگ و ورود به دوران استقرار است، که در آن، در عین حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر ضرورت بسط نظم مطلوب جمهوری اسلامی در ایران تأکید می‌شود.

تاریخچه شکل‌گیری سرود ملی فرانسه

انقلاب فرانسه سبب ساختن سرودهایی خودانگیخته که متأثر از وقایع و شرایط اجتماعی آن زمان توسط مردم شد؛ آهنگ‌هایی که به نام «vaudevires»، «vaudevilles» خوانده می‌شدند (Dufourg, 2003: 24). سرود ملی انقلاب فرانسه یکی از همین ترانه‌هاست. «مارسییز»^۱ علاوه بر

محبوبیت در میان جمهوری خواهان دنیا از اوّلین سرودهای ملی دنیا در عصر شکل گیری دولت های مدرن است. مارسییز از زمان پیروزی انقلاب کبیر فرانسه تا کنون سرود ملی فرانسه بوده است.

سرود مارسییز، توسط «کلود ژوزف دی لیسل»^۱ نوازنده آماتور در استراسبورگ در ۲۴ آوریل ۱۷۹۲ سروده و نواخته شد و در سال ۱۷۹۵ به عنوان سرود فرانسه تصویب گردید. توصیه سرودن این قطعه توسط شهردار استراسبورگ، به دلیل تهدید انقلاب فرانسه از سوی اتریش بود. شهردار در پی سرودی بود که سربازان را تحریک و به آنها شور وطن پرستی و انگیزه پیروزی را القا کند (Marshall, 2015). بسیاری بر این باورند که مارسییز بر پیروزی و موفقیت انقلابیون فرانسوی تأثیر مستقیم داشته و از این جهت، به عنوان یکی از نمادهای این انقلاب و بعدها سایر اتفاقات فرانسه تأثیر گذاشت.

سرود ملی (انقلابی) فرانسه

سرود مارسییز با اشاره به روز پیروزی انقلاب فرانسه آغاز می شود:

«فرزندان میهن بپا خیزید، روز شکوه و سرفرازی رسیده است. ستم، چشم در چشم ما، بیرق خونینش را افراشته».

در سرود ملی فرانسه، «روز شکوه و سرفرازی» اشاره به روز ۱۴ ژوئیه روز برگزاری «جشن ملی فرانسه و سالروز تسخیر زندان باستیل» است. فرانسه در آستانه انقلاب تحت سلطنت «لوئی شانزدهم» بود. در رده پایین تر از شاه، روحانیون کلیسا، نجبا و اشرافی بودند که امتیازات اقتصادی و سیاسی فراوانی داشتند. در پایین ترین رده، طبقه متوسط ساکن شهرها و سپس دهقانان قرار داشتند. در آستانه انقلاب، حکومت برای جبران کسری بودجه، مالیات سنگینی بر طبقات پایین که خود از کمی برداشت محصول رنج می بردند، تحمیل کرد. اما عامل اصلی انقلاب این نبود، بلکه ناراضیاتی طبقات پایین جامعه از امتیازات بدون توجیه نظام اربابی بود (گلدستون، ۱۳۸۵).

در روز چهاردهم ژوئیه، مردم خشمگین پاریس به مخازن اسلحه دولت حمله کرده و مقداری توپ و تفنگ به دست آوردند. سپس زندان باستیل را که محل نگهداری زندانیان سیاسی بود، تصرف کردند و پس از آزادسازی زندانیان، آن را با خاک یکسان کردند. در واقع، سرود ملی

1 Claude Joseph Rouget de Lisle

فرانسه با اشاره به روزی که یکی از نمادهای اصلی پادشاهی فرانسه به تسخیر نیروهای انقلابی درآمد، آغاز می‌شود. با این بخش از سرود ملی به بخشی از میراث مشترک ملت فرانسه اشاره می‌شود و از این جهت، به هنگام همسرایی این سرود، نوعی حس همبستگی به شهروندان فرانسوی منتقل می‌گردد.

«به آوایی که از دشت‌ها می‌آید گوش بسپار، نعره این سربازان هراس‌آور را می‌شنوی؟ می‌آیند که به میان شما بتازند، تا پسران، همسران و دوستانتان را از دم تیغ بگذرانند».

دولت‌های اروپایی از اینکه انقلاب فرانسه منافع آنها را به خطر بیندازد، در هراس بودند. لویی شانزدهم و متحدانش در خارج از فرانسه از سقوط و فروپاشی قدرت و نهادهای تحت امرشان می‌ترسیدند. در درگیری‌های بین سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان که بین سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۱ اتفاق می‌افتد، جمهوری‌خواهان دست برتر را کسب کردند و پادشاه در ۱۷۹۱ مجبور به امضای قانون اساسی شد، ولی در عین حال، از تلاش برای به عقب راندن جمهوری‌خواهان با همراهی متحدانش دست بر نداشت. در ۱۷۹۲ احتمال حمله امپراتور اتریش که برادر «ماری آنتوانت» بود به فرانسه در دفاع از لویی شانزدهم قوت می‌یابد (Levy & Thompson, 2010: 141). این بیت در بند اول سرود نیز اشاره به پیشرفت دشمنان انقلاب فرانسه در سرزمین فرانسه و خطری دارد که لحظه به لحظه نزدیک می‌شود و انقلاب را تهدید می‌کند.

«سلاح برگیرید! شهروندان!» (همسرایی).

یکی از دلایل ماندگاری این سرود، این است که کلمات آن، به ویژه در همسرایی‌ها (سلاح برگیرید! شهروندان!) بنا به گفته سراینده سرود، از اعلامیه‌های کوتاه و دیوان‌نوشته‌های سطح شهر یا شعارهای وطن‌پرستان در همان ایام الهام گرفته شده است (Richard, 2009; Lestz, 2018) و به همین دلیل، برای همه اقشار قابل درک است و با آن همذات‌پنداری می‌کند.

«گردان‌های رزم را تشکیل دهید! قدم رو، به پیش»

حق جنگ که در تمام بندهای این سرود مشهود است. این بیت نیز در واقع اشاره به تهدید مردم و انقلابیون فرانسه از سوی کشورهای همسایه به ویژه اتریش دارد؛ «این بند از سرود ملی انقلابی، مردم فرانسه را به استفاده از زور و جنگ برای دفاع از انقلاب فرا می‌خواند» (Kokolo, 2015:8-10).

«بگذار تا خون پلشت دشمنانمان، شیارهای دشت‌هایمان را سیراب سازد».

این بیت از سرود ملی فرانسه از جمله ابیاتی است که مورد نقد است؛ چراکه به‌طور ویژه نژادپرستانه است، در بند اول به شیوه‌ای بسیار خشونت‌آمیز بر جدایی بین «خون خالص فرانسوی» و مهاجران غیرفرانسوی، و اشاره به اختلاط خون در ازدواج‌های بین نژادهای قدیمی است. در واقع سرود ملی فرانسه به دستورالعمل کمیسیون اروپا (مصوب ۲۹ ژوئن ۲۰۰۰) احترام نمی‌گذارد (Alapítvány & Harmattan, 2017: 6).

«چه می‌خواهند این آردوی بردگان؟ این بردگانِ خائن و شاهانِ توطئه‌گر؟ برای کیست این زنجیرهای شرم، این آهنبندهای پیش‌آماده؟ فرانسه، برای ماست، آوُخ! چه وقاحتی! کدام روش، کدام راه را باید پیش گرفت؟ ماییم آنکه آنها جرئت سودا‌پروری درباره‌مان را یافته‌اند، تا به بردگی دیرین بازمان گردانند!» (همسرایی).

آرمان برابری و عدالتخواهی که یکی از نمادها و ارزش‌های انقلاب فرانسه بود، در این بند از سرود بازنمایی شده است. واقعیات تاریخی، نشان داده است که مارسییز یک آهنگ شورشی و براندازانه بود که در زمان پیدایش، به محله‌های فقیرنشین شهرهای بزرگ محدود می‌شد. قحطی و گرسنگی در فرانسه آن روز وجود داشت، ولی بیش از آن، مردم خواهان عدالت و تشنه عدالت بودند و این برابری‌خواهی را از طریق برپایی یک حکومت قانونی از نوع جمهوری دنبال می‌کردند. انقلابیون به دنبال لغو امتیازات بر اساس طبقه جامعه آن روز فرانسه و به جای آن در پی برپایی برابری حقوق و امتیاز برای همه شهروندان بودند. این آرمان برابری‌خواهانه، لحن نظامی و خشونت‌آمیز شعر مارسییز را نیز قابل توجیه می‌کند. حتی بیش از این بر این باورند، مارسییز ترویج‌کننده ارزش‌ها و فضائلی است که می‌تواند بر هر دو قشر نظامی و غیرنظامی تأثیرگذار باشد (Kokolo, 2015: 14-16).

«چه! این دار و دسته بیگانه، قانونگذار دادگاه ما شوند! چه! این جماعت مزدور، پسران رزم‌آور ما را تکه‌تکه کنند! خدای بزرگ! دست در زنجیر، پیشانی ما زیر یوغ خم خواهد شد و خودکامگان پست، خود را سروران سرنوشت خواهند یافت» (همسرایی).

این بند از سرود مارسییز به استبداد لوئی شانزدهم از سویی و هم‌پیمانی دولت‌های اروپایی دشمن انقلاب فرانسه از سوی دیگر اشاره دارد. این بند به کشته‌شدن فرانسوی‌های انقلابی به دست حکومت لوئی شانزدهم و هم‌پیمانان خارجی‌اش اشاره دارد. مرز و مرزبندی به عنوان یکی از نمادهای دولت‌های ملی اروپای قرن هجدهم در این قسمت از سرود نمایانده شده است. عبارات ما و آنها خود نشان از نوعی از مرزبندی در اروپای آن زمان که تازه از بند «امپراتوری هابسبورگ» رهیده بود و دولت‌های نوپای اروپایی شکل گرفته بودند، دارد. در عین حال نوعی

اطمینان به خود و عزت نفس در این بخش از سرود مشخص است. جبهه دشمن را به سخره می‌گیرد و آنها را حقیر و پست می‌شمرد و سربازان خود را رزم‌آور. سرود مارسیزی با یک مأموریت نظامی و ملی‌گرایانه در مرزهای فرانسه انقلابی متولد شد و به زودی نقش مهمی در زندگی غیرنظامی و نظامی فرانسه ایفا نمود (Richard, 2009).

*«بلرزید! ای خائن و ظالمان، ای مایه شرم همه مردان نیک، بلرزید! نقشه‌های پدرکشی‌تان
جزا داده خواهند شد. ما همه سربازانیم به کارزار شما، اگر دلاوران جوان ما بر خاک آفتند،
فرانسه قهرمانانی نو خواهد زاد، آماده پیوستن به کارزار با شما» (همسرایی).*

عناصر وطن‌پرستی و ملی‌گرایی در این بند از سرود، به‌روشنی بازنمایی شده است. اشاره مستقیم به حفاظت از فرانسه و کشته شدن در راه سرزمین و جنگ با دشمنان فرانسه دارد. این بند از مارسیزی «الهام‌بخش غرور ملی و عشق به کشور است» (Crawford, 2011: 30-31). با وجود آرمان‌های انسانی مطرح شده در آن، این سرود هر جای دنیا که بازخوانی و ترجمه و سروده شده، عنصر ملی‌گرایی را نیز در خود داشته است.

*«مردان فرانسوی، چو جنگجویان فداکار، آماجِ یورشِ شما را تاب می‌آورند و نگه می‌دارند، این
بیچارگان فریب‌دیده را می‌بخشند؛ چراکه اکنون پشیمانند که بر ما تیغ کشیده‌اند. اما
بخششی نیست برای آن ظالمان خونخوار، همدستان بوئیل، که چون دد، بیرحمانه، زهدان
مادرانمان را دریدند» (همسرایی).*

این بند از سرود مارسیزی جز بندهایی است که خشونت‌طلبی ناشی از انقلاب را در خود بازنمایی می‌کند. در واقع، همان‌گونه که «کراوفورد» نیز اشاره کرده است؛ مارسیزی «آهنگی است برای دعوت به قیام مسلحانه» و سرشار از احساسات جنگ و خشونت و پر از تصاویر خونین از جنگ و ایده‌های انتقام است (Crawford, 2011: 30). بسیاری منتقدین بر این باورند که شعارهای لیبرالیستی، دمکراتیک و برابرخواهانه فرانسوی‌های در قرن بیستم با محتوای سرود ملی آنها در تناسب نیست (Alapítvány & Harmattan, 2017: 6)، از این رو، خواهان تغییر سرود ملی فرانسه هستند؛ به‌ویژه که این عبارات توسط کودکان فرانسوی همسرایی شده و در شکل‌گیری ذهنیت خشونت‌طلب آنها تأثیرگذار خواهد بود.

*«عشقِ مقدسِ میهن، سپاه دادگیر ما را رهبر خواهد بود. آزادی، آزادی گرانقدر، پایدار همراه
پشتیبانانت بمان، در لوی درفش ما، بگذار پیروزی شتاب کند و با صدای مردانه‌اش بانگ
بردارد، تا دشمنانت، نفس به شماره افتاده و در دم مرگ، پیروزی تو و شکوه ما را ببینند!»
(همسرایی).*

بند ششم این سرود به‌طور مستقیم به آزادی اشاره می‌کند. این بند از شعر مارسیزی اشاره به دفاع از سرزمین مادری که در خطر است و نیز دفاع از آزادی سرزمین در برابر ظلم و ستم اشاره دارد (Richard, 2009). رفتن به نبرد در این بند از سرود ستوده می‌شود؛ چراکه این نبرد در راه مبارزه برای استقلال و آزادی فرانسه است (Kokolo, 2015: 12). از سوی دیگر، بند ششم، با اعتماد به نفس بدون اینکه نبردی اتفاق افتاده باشد، شانس موفقیت و سقوط دشمنانشان را پیش‌بینی می‌کند. این نگاه آرمانگرایانه البته در عمل با وجود پیروزی‌های اولیه، به دلیل جنگ‌های داخلی و خارجی به چالش کشیده شد (Belloc, 1911, 239).

آنچه مشخص است، سه شعار «آزادی»، «برابری» و «برادری» (برگرفته از اعلامیه حقوق شهروندی ۱۷۸۹ انقلاب فرانسه) در این سرود انعکاس یافته است. انقلابیون که جنگجویان راه آزادی بودند؛ علاوه بر این سرود، از همه شهروندان می‌خواهد تا با توجه به تساوی حقوق شهروندی در میان همه شهروندان فرانسوی برابری را اعمال کنند (Kokolo, 2015: 19). این سرود نشان می‌دهد که دشمنان در واقع، بهم پیوسته‌اند و برای مقابله با این صفوف بهم پیوسته دشمنان فرانسه، باید متحد و برادر باشند. در حقیقت «واژه‌های سرود مارسیزی نوعی اتحاد و برادری را به ذهن مبتادر می‌کند» (Alapítvány & Harmattan, 2017: 5).

نکته حائز اهمیت این است که با وجود آرمان‌های انسانی و جهانی که انقلاب فرانسه برای آنها اتفاق افتاد، در سرود مارسیزی این آرمان‌ها در حد یک واقعه مقطعی و کوتاه‌مدت در تهدیدات پیرامون انقلاب فرانسه گم می‌شود. خشونت و جنگ و خونریزی به قدری در این سرود برجسته است که آرمان‌های انسانی در مقابل آن رنگ می‌بازد. آرمانی مثل آزادی که ایده آن از نوشته‌های عصر روشنگری برخاسته بود، در این سرود در حد استقلال کشور فرانسه از دشمنانش تقلیل داده می‌شود.

از سوی دیگر، تولد سرودهایی چون «انترناسیونال» در فرانسه انتهای قرن نوزدهم که بعدها به عنوان سرود ملی اتحاد جماهیر شوروی انتخاب شد، خود واکنشی به عدم تحقق برابری خواهی بوده است.

تاریخچه سرود ملی انقلابی روسیه

با سقوط تزار روسیه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ مارسیزی فرانسوی با اشعار جدید (آرمان‌های کارگری) تبدیل به سرود بلشویک‌ها شد (Cipriani, 2018). وقتی «لنین» به قدرت رسید، به پیشنهاد او سرود سوسیالیستی «انترناسیونال» به عنوان سرود ملی روسیه جایگزین مارسیزی شد

(Sobolevo, 2009: 43). «انترناسیونال» سرودی بود که تمام گرسنگان و بردگان جهان را برای خیزش علیه سرمایه‌داری تا سرنگونی آن فرا می‌خواند (Yegorov, 2018).

گروه‌های چپ، تولد انترناسیونال را نتیجه‌ی از بین رفتن آرمان آزادی، برابری و برادری انقلاب فرانسه می‌دانند (Gluckstein, 2008). این سرود را اوژن پوتیه^۱ در سال ۱۸۷۱ و درست چند ماه پس از قدرت‌گیری کارگران پاریس و شکل‌گیری کمون پاریس به زبان فرانسه سروده است. شاعر این سرود، کارگری بود که در کمون پاریس موقعیت رهبری پیدا نمود. در ۱۸۸۸ «پی‌یر دوژیته»^۲ - که او هم کارگر بود - یک ملودی برای این شعر - که تا آن موقع محبوب شده بود ساخت - (Bester, 2011). بسیاری براین باورند علت کامیابی پوتیه در سرود انترناسیونال این بود که تجربه شخصی خود را در یک رویداد خاص توانست جهانی سازد.

انترناسیونال در ترجمه روسی آن به ابزار قوی تحریک و تهییج اجتماعی بدل شد. واقعیت این است که در ۱۹۱۷ انترناسیونال دارای محبوبیت عام در بین تمام گروه‌های انقلابی حاضر در انقلاب روسیه بود (Sobolevo, 2009: 45). در واقع انترناسیونال نشانه تعهد اتحاد جماهیر شوروی به انترناسیونالیسم و انقلاب پرولتری جهانی بود (Stanford.edu, n.d.: website).

از نظر موسیقایی، لحن انترناسیونال بسیار شبیه لحن آهنگ‌های روز اروپا در آن دوره زمانی بود و از این جهات (ملودی و آرمان خواهانه بودن)، شباهت‌هایی به سرود مارسیز دارد.

منتقدان، اشعار این سرود را غم‌انگیز و پر از تهدید و میل به مصادره اموال دیگران می‌دانستند و حتی سرود این شعر را به عنوان نماد «الحاد» می‌دانند؛ «هیچ کس به ما آزادی عطا نمی‌کند؛ نه خدا، نه تزار، نه قهرمان» (Sobolevo, 2009: 44).

در حکومت لنین، انترناسیونال به چشم‌انداز آینده شوروی بدل شد. انترناسیونال یک سرود «بدون مرز» است. که ایده هویت ملی و مفاهیم رایج وطن‌پرستی را رد می‌کند. ایده لنین به منظور آوردن دواطلبانه تمام ملل مختلف دنیا در زیر پرچم اتحاد جماهیر شوروی، در این سرود تجلی یافته است (Price, 2007: 4). در دوره استالین و همزمان با جنگ جهانی دوم، به دلیل واکنش منفی دول متفق به این سرود از سوئی و نیز نیاز تهییج سربازان اتحاد جماهیر شوروی برای شرکت در جنگ با انگیزه‌های وطن‌پرستانه، سرود ملی انترناسیونال تغییر کرد و سرودی با محتوای ملی جایگزین آن شد.

1 Eugén Pottier
2 Pierre Degeyter

انترناسیونال سرود ملی (انقلابی) روسیه

عنصر آخرالزمانی در سرود ملی انقلابی روسیه وجود دارد؛ توفان آخرین، آخرین پیکار. در واقع این سرود تطابق بسیار نزدیکی با ایده‌هایی دارد که قرار است نمادشان باشد. در این سرود، «همه جهان» استعاره از بورژوازی است و «نظم نوین» استعاره از سوسیالیسم و تأکید دارد که این نظم نوین را جایگزین جهان کهنه سرمایه‌داری نماید. جمله معروف «مارکس» که می‌گوید: «فیلسوفان تا کنون جهان را تفسیر کردند، ما باید تغییر بدیم»، به‌طور مشخص و روشن در این سرود بازنمایی شده است؛ «جان از بند جهل رها کنیم ای کارگران». در حقیقت انقلابیون روسیه می‌خواهند، جهان نو و انسان نوینی بسازند.

برخیزید، ای فلک‌زدگان

برخیزید، ای در بند گرسنگی اسیران

خرد در دهانه آتشفشان در غرش است

این آتشفشان ناگزیرِ آخر است

لوح از نقش گذشته پاک کنیم

مردمان، بردگان، بیا خیزید! بیا خیزید

زیربنای جهان در تحول است

و ما که هیچیم همه چیز خواهیم شد

نبرد نهایی است این

گرد هم آییم

و فردا

انترناسیونال

بشیریت را گرد هم خواهد آورد

از نگاه مارکسیتی، آگاهی طبقاتی، اساس و موتور محرکه مبارزه است. مارکس، آگاهی طبقاتی را پس از شکست کمون پاریس مطرح کرد (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در سرود انترناسیونال نیز به عنصر آگاهی و اهمیت آن به‌گونه‌ای روشن اشاره شده است؛ آنجا که می‌گوید: «غرد چون آتشفشان»، در واقع به اهمیت آگاهی اشاره می‌کند و به همین دلیل، سرود با آگاهی آغاز می‌شود. در این مورد لنین، رهبر سوسیالیست‌های انقلابی روسیه در ۱۹۱۳ در مورد سرود انترناسیونال و تأثیر آن بر گروه‌های کارگری نوشت:

«در هر کشوری که یک کارگر آگاهی طبقاتی پیدا می‌کند، جایی که سرنوشت او را پرورش دهد، هرچند که ممکن است خود را غریبه، بدون زبان مشترک، بدون دوست، دور از وطن و سرزمین مادری و... احساس کند، می‌تواند با سرود انترناسیونال، خود را در میان و دوستان و اقوامش حس کند» (Bester, 2011).

در این بند از سرود، همانگونه که می‌بینیم، کارگران و فراخواندن آنها برای مبارزه تا رسیدن به حقوقشان بازنمایی شده است.

نه ناجی اعظم و اعلائی در اندیشه نجات ماست، نه خدایی، نه قیصری، نه خرگه‌ای
کارگران! ما خود باید به نجات خویش برخیزیم
بیایید فرمان رهایی و خوشبختی همگانی صادر کنیم
تا دزد، گردن به اختیار پیش آورد
تا ذهن، از سیاهچال رهایی یابد
در کوره آهنگریمان خود بدمیم
و آهن را تا داغ است بکوییم

...

در این سرود نگاهی تقدیرگرایانه وجود دارد که منبعت از ماتریالیسم تاریخی مارکس است. این بند از انترناسیونال، اشاره به تقدیرگرایی پیشامدرن اروپا که در عصر روشنگری در جریان بود، دارد. کلیسا پیوسته بر این باور بود که نظم موجود از سوی خدا مقرر شده و انسان نمی‌تواند آن را تغییر دهد. در این سرود، به تاسی از جمله معروف مارکس در «مانیفست»، کلید رهایی طبقه کارگر را در دستان خود این طبقه می‌داند و به کارگران خطاب می‌کند که هیچ ناجی جز خودشان وجود ندارد (Gluckstein, 2008). در این بند از سرود ماتریالیسم تاریخی مارکس به عنوان یکی از ارزش‌های انقلابی، انقلاب روسیه بازنمایی شده است.

دولت سرکوب میکند، و قانون کلاهبرداری
زالوی مالیات خون محنت‌کشان را می‌مکد
هیچ وظیفه‌ای بر عهده اغنیا نیست
حقوق فقرا عبارتی تو خالی بیش نیست
بس است دیگر در کنج حبس پوسیدن
برابری، قوانین دیگری می‌خواهد
که حق بدون وظیفه و وظیفه بدون حق را در آن جایی نباشد

...

این بند از سرود، از سویی به سرکوب و ظلمی که از طرف دولت‌ها بر طبقه کارگر و پایین جامعه اعمال می‌شود، اشاره دارد و از سوی دیگر، بر آرمان برابری طلبی انقلاب روسیه تأکید دارد. در این بند از سرود، روسیه نقد دولت سرمایه‌داری و در عین حال تلاش طبقه کارگر برای دستیابی به عدالت و برابری به عنوان یکی از ارزش‌های اصلی انقلاب روسیه، به روشنی بازنمایی شده است.

جلال و جبروت سلاطین معادن و راه آهن منظره کراهت‌باری است،
چه اینان هیچ‌گاه کاری جز دزدیدن کار ما نکرده‌اند
شمش‌های درون خزائن این جماعت، حاصل کارهای ماست که ذوب و در هم آمیخته‌اند
مردم با اعلام فرمان استرداد این اموال
چیزی بیش از حق خود مطالبه نمی‌کنند

...

این بخش از سرود، اشاره به استثمار کارگران توسط سرمایه‌داری در فرایند صنعتی شدن و پیشرفت صنایع و معادن و راه آهن دارد و اینکه سود و ثروت سرمایه‌داری، حاصل دسترنج و سرقت اموال و منابع طبقه کارگر به وسیله طبقه سرمایه‌دار است و اشاره به اندیشه مارکس در خصوص استثمار کارگران - که در خدمت فرایند تولید سرمایه‌داری است - دارد (Gluckstein, 2008). در این بخش از سرود استثمار طبقه کارگر به عنوان یکی از انگیزه‌های مبارزه در انقلاب روسیه، بازنمایی شده است:

شاهان ما را به هوی‌های دروغین تخدیر می‌کنند
صلح کنیم با خود، جنگ کنیم با جباران
در ارتش‌ها اعلام اعتصاب کنیم
تفنگ‌ها را رو به بالا بگیریم، صفوف‌شان را در هم بریزیم
این آدم‌خواران اگر عزم قهرمان ساختن از ما کنند
دیری نخواهد پایید که درمی‌یابند گلوله‌های ما برای ژنرال‌های خودی است

...

این بند از سرود انترناسیونال نیز به همراهی نیروهای ارتش در جریان انقلاب روسیه با مردم دارد. بدنه ارتش از طبقات دهقان و پایین جامعه بودند که منافعیان با منافع انقلابیون همپوشانی داشت. ارتش در جریان انقلاب روسیه در اجرای دستورات مقامات ارشد و تزار، دست به تمرد زد و با انقلابیون همراه شد (گلدستون، ۱۳۹۴).

ما کارگرانیم، ما برزیگرانیم، ما اردوی عظیم زحمتکشانییم
کره زمین متعلق به انسان هاست
بیکارگان باید جای دیگری به دنبال مسکن باشند
سور و سات اینان از گوشت تن ما برپاست
اما چون این کرکسان و لاشخوران در روزی از همین روزها ناپدید شوند
خورشید جاودانه خواهد درخشید

...

فراخوانی شاعر انترناسیونال به وعده‌ای آخر زمانی و مبارزه نهایی در این سرود؛ به‌ویژه در ترجیع‌بند «نبرد نهایی است این گرد هم آییم و فردا انترناسیونال بشریت را گرد هم خواهد آورد» بسیار آشکار است. ترجیع‌بند اشاره به «اتحادیه بین‌المللی کارگران»^۱ دارد. در ترجمه‌هایی که از سرود انترناسیونال شده است نیز با توجه به کشور، عبارات و تأکیدها تغییر یافته و اولویت‌ها متفاوت است (Gluckstein, 2008). ترجیع‌بند از سوی دیگر اشاره به آرمان مارکس در مانیفست برای اتحاد کارگران سراسر دنیا دارد. شاعر سرود انترناسیونال همانند دیگر همفکران سوسیالیستش امیدوار بود که هر کارگر در هر کشور به بخشی از اولین انترناسیونال تبدیل شود. آنها بر این باور بودند که اگر کمون‌ها توسعه یابند، دولت‌ها به تدریج از بین خواهند رفت. اگر توده‌ها در انترناسیونال گروه‌بندی شوند، این سازمان نوع بشر را به تصویر خواهد کشید.

در حقیقت این بند از سرود انترناسیونال، مبارزه با امپریالیسم به‌عنوان یکی از ارزش‌های اصلی آرمان سوسیالیستی به‌طور عام و ارزش انقلابی، انقلاب روسیه در مبارزه با امپریالیسم جهانی را به‌طور خاص، بازنمایی می‌کند.

مقایسه سه سرود ملی ایران، فرانسه و روسیه و نتیجه‌گیری

واقعیت این است که با وجود اشتراک سه کشور ایران، روسیه و فرانسه در تجربه تحول انقلابی، تفاوت‌های معناداری در مورد برداشت از عبارات مشترکی همچون «برابری»، «آزادی»، «خدا»، «میهن»، «مردم» و «سرزمین» در این سه سرود به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک در این سه انقلاب وجود دارد. در ادامه به مقایسه برخی مفاهیم مندرج در سه سرود می‌پردازیم.

خاستگاه سرایندگان سرودها

سرود ملی فرانسه و روسیه با وجود خاستگاه مشترک و زمینه مشترک انقلابی هر دو در هنگام تولدشان، از بسیاری جهات متفاوتند؛ تفاوت‌های این دو سرود، علاوه بر زمینه‌های انقلابی و تفاوت نوع ایدئولوژی دو کشور، ناشی از یک واقعیت دیگر نیز هست؛ تفاوت سرایندگان دو سرود، سرود ملی فرانسه را یک سرباز/شاعر سروده (Fiaux, 2013: 26) که سرشار از احساسات میهن‌پرستانه در زمان مورد تهاجم واقع‌شدن بوده، ولی سرود ملی شوروی (انترناسیونال)، از آرمان‌های جهانی صحبت می‌کند که سراینده آن، یک کارگر است که به دنبال رهایی کارگران کل دنیاست. با این وجود، هر دو شاعران این سرودها آماتور بوده‌اند. در مورد سرایندگان سرودهای ملی ایران نیز تفاوت بارزی با سرایندگان دو سرود ملی روسیه و فرانسه وجود دارد که سرایندگان سرود ملی جمهوری اسلامی ایران هر دو شاعران برجسته‌ای در ایران بوده‌اند؛ به‌ویژه در سرود دوم که بنا بر اذعان شاعر این سرود، اساتیدی چون «مهرداد اوستا» در انتخاب دقیق واژگان به شاعر، یاری رسانده‌اند تا در عباراتی کوتاه مقصود و منظور به شنونده منتقل گردد.

خاستگاه سرودها

در حالی که سرود ملی انقلابی ایران و فرانسه برخاسته از عمق وجود جامعه انقلابی دو سرزمین است، اما سرود ملی انترناسیونال ترجمه و روسی شده یک سرود در اصل فرانسوی است که بعدها روسی شده است.

پیام و احساسات سه سرود نیز بسیار متفاوت است. علت عمده این تفاوت نیز به ایدئولوژی انقلابی سه کشور باز می‌گردد؛ مارسییز به عنوان یک فراخوان برای در دست گرفتن اسلحه و ورود به جنگ نوشته شده، در حالیکه سرود ملی شوروی ترانه‌ای است در فراخوانی کارگران و بردگان به ایستادگی و نبرد با سرمایه‌داری. سرود ملی فرانسه در مبارزه بورژوازی با طبقات بالای فرانسه متولد شد، ولی سرود ملی روسیه که خاستگاه اصلی‌اش فرانسه است، هنگامی که بورژوازی در جامه عمل پوشاندن به آرمان برابری‌اش ناکام ماند، از سوی گروه‌های سوسیالیستی متولد شد. اما سرودهای «پاینده باد ایران» و «سرزد از افق» هر دو متأثر از نقش برجسته ایدئولوژی اسلامی در پیروزی انقلاب سروده شده و عناصر دینی در آنها برجسته است.

برابری طلبی

عدالت از اولویت‌های انقلاب اسلامی بود، ولی در شعارهای انقلاب اسلامی، آن‌گونه که در انقلاب فرانسه و روسیه آمده، کاربرد نداشت. در انقلاب اسلامی ایده برابری خواهی، در اولویت بعدی مسائل فرهنگی و سیاسی خواهی قرار می‌گیرد و رهایی از استبداد و استقلال سیاسی از شرق و غرب در اولویت بالاتری قرار دارند. اما در انقلاب فرانسه و روسیه، تأکید بر برابری طلبی اولویت است. انقلاب فرانسه، آزادی و برابری را به‌عنوان حقوق اساسی انسان اعلام کرد و بیش از آنکه ناشی از ایده آزادی خواهانه یا دموکراسی طلبانه باشد، ناشی از آرمان برابری طلبانه بود، انقلاب روسیه نیز خود را متعهد به تأمین عدالت از طریق کنترل اقتصاد بعد از تصرف قدرت سیاسی می‌داند. از سوی دیگر، انقلاب روسیه درست مانند انقلاب فرانسه آرمانش را در آینده جستجو می‌کند نه در گذشته. به دنبال احیای دنیای خوب قدیم نبود، می‌خواست دنیای جدیدی را خلق کند.

ملی گرایی

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های سرود ملی انقلاب ایران، فرانسه و روسیه در نگاه ناسیونالیستی و انترناسیونالیستی این دو سرود است. در حالی که، سرود ملی فرانسه در حین مبارزات برای انقلاب فرانسه سروده شد و در اوج روحیه انقلابی در این کشور در زمانی که همسایگان فرانسه برای مقابله با انقلاب می‌خواستند به این کشور حمله کنند. در حقیقت مارسیزی آرمانی ناسیونالیستی و در حفاظت از مرزهای فرانسه و انقلاب فرانسه سروده شده است؛ سرود مارسیزی یک سرود وطن پرستانه علیه دشمن که متن آن روشن و آگاهانه است، ولی در عین حال به سرزمین مادری یا دشمن خاصی به‌طور مشخص اشاره نمی‌کند (Richard, 2009). در صورتی که سرود ملی روسیه، پس از پیروزی انقلاب روسیه و برگرفته از روحیه و حالات پس از پیروزی است. آرمان‌های سرود انترناسیونال، جهانی است و فرامرزی و فراتاریخی. در سرود ملی روسیه هیچ اشاره‌ای به میهن و سرزمین مادری نمی‌شود و دشمن آن مشخص است؛ نبرد تا پیروزی کارگران بر سرمایه‌داری. در سرودهای ملی ایران، عناصر هویت ملی و همبستگی ملی همانند؛ «وطن»، «ایران»، «دفاع از سرزمین» و «اتحاد» برجسته است. علاوه بر این در سرودهای ملی جمهوری اسلامی ایران با وجود آرمان‌های فرامرزی آنها که به‌ویژه در سرود «سر زد از افق» برجسته می‌شود، نشانه‌ای از مقابله جویی با دشمن بیرونی وجود ندارد. گویی، اگر قرار است این

انقلاب صادر شود، صدور انقلاب به شکلی مسالمت‌آمیز و با استفاده از عناصر فرهنگی و مذهبی اتفاق می‌افتد.

جنگ‌طلبی و خشونت

سرود ملی فرانسه یک نبرد تن به تن و رو در رو را توصیف می‌کند و بیش از جنگ شهروندان علیه حاکمیت، از جنگ نیروهای نظامی یک کشور در برابر دیگری سخن می‌گوید (Crawford, 2011: 32). سرود ملی فرانسه تهییج به نبرد با دشمن برای رسیدن به پیروزی می‌کند و سرود ملی روسیه، سرخوش از کامیابی و پیروز است. مارسییز دیدگاهی تدافعی دارد، در حالی که سرود انترناسیونال روسیه با نگاهی تهاجمی به دنبال سرنگونی سرمایه‌داری در کل دنیاست. در مقابل سرمایه‌داری، طبقه کارگر و دهقان قرار می‌گیرد، بدون اینکه این طبقه متعلق به کشور خاصی باشد.

هر دو سرود فرانسه و روسیه، روحیه جنگ‌طلبی را در درون خود دارند، اما میزان خشونتی که از هر یک از آنها به ذهن متبادر می‌شود، متفاوت است. سرود ملی فرانسه با توجه به خاستگاه و تاریخ ساخته شدن آن، فراخوانی برای جنگ است. وقتی در شعر این سرود دقت کنیم، این جنگ‌طلبی و خشونت‌ورزی در آن برجسته می‌شود. این سرود، همواره در حال سخن گفتن از نابودی، نبرد، و مورد تهاجم واقع شدن است و هرگز سخنی از زمان صلح در آن دیده نمی‌شود. این سرود، سرشار از تصاویر خونین جنگ و ایده انتقام‌جویی است (Crawford, 2011: 30)، اما هنگامی که این سرود و عبارات آن را در قالب یک ترانه مورد توجه قرار دهیم، به‌طور همزمان احساسات متناقضی را به شنونده و خواننده آن انتقال می‌دهد؛ «غرور ملی»، «عشق به میهن»، «غم‌انگیزی شکوه»، «وحشت»، «جنگ» و «وطن‌پرستی» (Fiaux, 2013: 14). سرود روسیه اما حق جنگ و نبرد را به‌گونه‌ای نرم‌تر و با خشونت کمتری ابراز می‌دارد و بیش از آنکه بر جنگ تأکید داشته باشد، بر مظلومیت طبقه کارگر و دهقان تأکید دارد.

در مقابل، سرودهای ملی جمهوری اسلامی ایران نگاهی فرهنگی دارند و با وجود برجستگی نشانه‌های پیروزی در آن، این پیروزی انقلابی و در مقابل رژیم پیشین بوده است. هیچ نشانه‌ای از نبرد با دشمن بیرونی در سرودهای ملی جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمی‌شود. پیروزی در هر دو سرود جمهوری اسلامی ایران با اعتماد به نفس بیان شده؛ چون با تکیه بر عناصر مذهبی و امتدادهای معنوی به وقوع پیوسته است. وجه تمایز سرودهای ملی جمهوری اسلامی با سرود

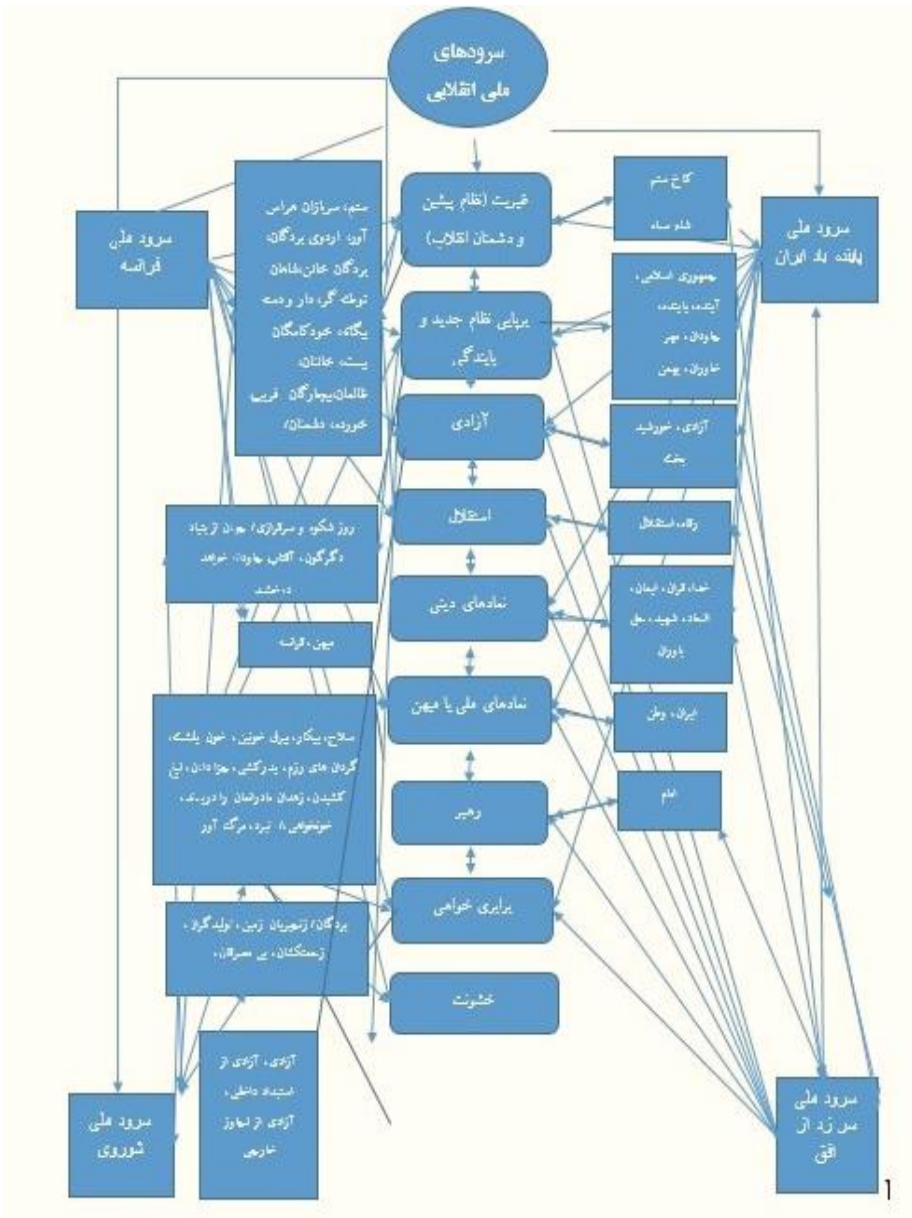
ملی فرانسه و روسیه در صلح‌آمیز بودن عبارات به‌کار رفته در این دو سرود است. حتی در سرود «پاینده باد ایران» که بلافاصله پس از انقلاب اسلامی سروده شده، عناصر خشونت‌آمیزی دیده نمی‌شود. در مقابل بر روحیه سلحشوری و قهرمانی آن هم با عباراتی مثبت و ترسیم چشم‌اندازی روشن تأکید شده‌است.

دین

عناصر مذهبی در هیچ کدام از دو سرود ملی فرانسه و روسیه دیده نمی‌شود. در بند سوم سرود ملی فرانسه که عبارت خدای بزرگ به‌کار رفته‌است، خدا معنای مذهبی و دینی ندارد (Fiaux, 2013: 13). در سرود روسیه نیز آنجایی که اشاره به نجات‌دهندگی خود طبقه کارگر می‌کند، در قطع امید از خدا و قیصر و ... برای نجات‌بخشی طبقه کارگر، این فقدان عنصر مذهب آشکار می‌گردد. در عین حال در هر دو سرود، تأکید بر جنگ خیر و شر است و دو قطب اخلاقی را بر این مینا ساخته است، اما در هر دو سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، عناصر مذهبی بسیار برجسته است؛ نمادهای هویتی دینی همانند؛ «خدا»، «قرآن»، «ایمان» و «شهید» نیز به تصریح و با تأکید بر معانی دینی آنها در هر دو سرود آمده است. این مهم متأثر از نقش برجسته ایدئولوژی اسلامی در پیروزی انقلاب اسلامی است که وجه تمایز انقلاب ایران از سایر انقلاب‌های دنیا نیز هست.

در سرودهای ملی جمهوری اسلامی ایران واژگان انتخابی بر اتحاد، ایمان، مددجویی از خدا، حرکت در سایه قران، صلح، دوستی، انقلاب، ایستادگی در برابر ظلم و دفاع مشروع، تأکید شده است. در سرود اوّل با توجه به نقش برجسته ایدئولوژی اسلامی در پیروزی انقلاب و غیر خشونت‌آمیز بودن انقلاب، خشونت در واژگان سرود ملی مشاهده نمی‌شود. در سرود ملی کنونی جمهوری اسلامی ایران، کلماتی استفاده شده است که دربردارنده «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» سه اصل مهم و اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. استفاده از عبارت ایران در هر دو سرود جمهوری اسلامی برجسته است و این خود، اشاره به همبستگی ملی و قدمت تاریخی این سرزمین و مردمان ساکن دارد.

در ادامه، مضامین مطرح شده در سرودهای ملی انقلابی ایران، فرانسه و شوروی به ترسیم شبکه مضامین این سرودها در سه سطح «مضامین فراگیر»، «مضامین سازنده» و «مضامین پایه» پرداخته‌ایم.



شکل ۱. شبکه مضامین سرودهای ملی انقلابی ایران، فرانسه و روسیه

نتیجه‌گیری

در پاسخ به این سؤال که مفاهیم اساسی و انقلابی سرودهای ملی ایران روسیه و فرانسه کدامند و وجوه تفاوت و تشابه آنها در این باره چیست؟ یافته‌ها حاکی از این واقعیت است که هر سه سرود، دارای مفاهیم اساسی و ارزشی ناشی از خواست‌ها و آرمان‌های انقلابی سه کشور مورد مطالعه است، اما تفاوت‌های معناداری در مورد برداشت از عبارات مشترکی همچون برابری، آزادی، خدا، میهن، مردم، سرزمین در این سه سرود وجود دارد. یکی از دلایل اصلی این تفاوت، تفاوت ایدئولوژی در سه انقلاب است؛ در حالی که در انقلاب اسلامی برداشتی اسلامی و دینی و الهی از مفاهیم وجود دارد، در انقلاب فرانسه و روسیه این برداشت، بر پایه مفاهیم دنیوی برداشت شده است.

تحلیل متنی سه سرود انقلابی نشان داد؛ در حالی که در کنار ملی‌گرایی، استقلال و رهایی از استبداد، دین (در قالب ایثار، شهادت، قرآن) یک مؤلفه اصلی برای ایجاد هویت جمعی در سرودهای انقلابی جمهوری اسلامی است، در سرود ملی فرانسه و روسیه در غیاب مؤلفه دینی، جستجوی برابری، آزادی و مقابله با تجاوز بیگانه مؤلفه‌های اصلی ایجاد هویت جمعی است.

استقلال از دست‌اندازی بیگانه در دو سرود جمهوری اسلامی ایران و فرانسه بیان شده است، در حالی که در سرود ملی روسیه از آنجا که سرود برای مخاطب کارگر در سرتاسر جهان سروده شده، کمتر تأکید یا اشاره‌ای به استقلال اتفاق افتاده است و اساساً فاقد شخصیت ملی است. این تأکید بر استقلال منبعث از «دست‌نشان‌دگی» به غرب حکومت پهلوی در ایران از سویی و هراس از حمله کشورهای اروپایی به جمهوری نوپای فرانسه انقلابی از سوی دیگر است، در حالی که روسیه انقلابی چنین تهدیدی را در مقطع انقلاب و پیش از آن تجربه نکرده است.

هر سه کشور، در پی رهایی از یوغ استبداد بوده‌اند و تحلیل متنی سه سرود، تأکید بر ایجاد خاطره جمعی برای یادآوری مبارزات آزادی را در خود به صورت آشکار و پوشیده دارند. البته با توجه به نوع مبارزه میزان خشونت‌گرایی و صلح‌گرایی در این سه سرود متفاوت است. خشن‌ترین واژگان متعلق به سرود فرانسه و صلح‌آمیزترین واژگان متعلق به سرود سر زد از افق جمهوری اسلامی و پس از آن سرود «پاینده باد ایران» است. به همان ترتیب، در بین این سه انقلاب، انقلاب فرانسه از همه خشن‌تر و انقلاب اسلامی ایران کمترین میزان خشونت را داشت.

سرد ملی شوروی	سرد ملی فرانسه	سرزد از افق	پاینده باد ایران	
ندارد	دارد	دارد	دارد	مولفه‌های ملی گرایانه
ندارد (عبارت خدا معنای دینی ندارد)	ندارد (عبارت خدا معنای دینی ندارد)	دارد	دارد	مولفه‌های دینی
دارد (در معنای رهایی از استثمار سرمایه‌داری و نیز استبداد)	دارد (در معنای رهایی از استبداد داخلی و ستم طبقات بالا و نیز رهایی از دشمن خارجی)	دارد (در معنای رهایی از استبداد)	دارد (در معنای رهایی از استبداد)	آزادی
دارد	دارد	دارد (در معنای رهایی از دست نشاندگی)	دارد (در معنای رهایی از دست نشاندگی)	استقلال
دارد	دارد	ندارد	ندارد	خشونت
دارد	دارد	دارد	دارد	برابری
دارد	دارد	دارد	دارد	پایندگی و نگاه به آینده

شکل ۲. جدول تشابهت‌ها و تفاوت‌های سرودهای ملی انقلابی ایران، شوروی و فرانسه

منابع

- حیدری، علی و نیازی، نوذر (۱۳۹۵) بازتاب تفکرات دفاعی و هجومی ایران و آمریکا در سرودهای ملی، دوفصلنامه ادبیات پایداری. سال هشتم. ش پانزدهم. پاییز و زمستان ۱۳۹۵. صص ۱۷۰-۱۴۷.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۱) گپ کوتاه تسنیم با سازنده سرود ملی ایران. فردا؛ آخرین عمل جراحی بیگلری پورا/ موسیقیدانی که امام برایش دعا کرد . ۲۵ آذر ۱۳۹۱. بازنشانی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1391/09/25/5045>
- درخشه ، جلال، افتخاری، اصغر و ردادی، محسن (۱۳۹۴) تحلیلی مضمونی اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، جستارهای سیاسی معاصر. دوره ۶. ش ۱۷. پاییز ۱۳۹۴. صص ۷۲-۵۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین (۱۳۸۵) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- سایت خامنه‌ای دات آی آر (۱۳۹۲) سرود ملی جمهوری اسلامی چگونه تغییر کرد؟ گزارشی درباره‌ی چگونگی تغییر سرود ملی جمهوری اسلامی ایران. بازنشانی در: ۱۳۹۲/۳/۲: <http://farsi.khamenei.ir/others-report?id=22964>
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و محمد شیخزاده (۱۳۹۰) تحلیلی مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره ۲. پاییز و زمستان. صص ۱۹۸-۱۵۱.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ احمدی، سیده ملیحه (۱۳۹۴) بازنمایی ارزش‌های انقلابی در دومین سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، تابستان، شماره ۶۴.
- فرازمند، حسین (۱۳۹۴) شرحی بر چگونگی شکل‌گیری سرود ملی کشور شد جمهوری اسلامی به پا، روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۴.
- فرقانی، محمدمهدی و اکبرزاده جهرمی، سید جمال الدین (۱۳۹۳) جایگاه غرب در سیاست هویتی نظام جمهوری اسلامی، تحلیل گفتمان انتقادی سریال‌های کیف انگلیسی و مدار صفر درجه، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. دوره ۱۰. ش ۳۷. زمستان ۱۳۹۳. صص ۴۲-۱۱.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷) روش شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری عمومی، دوره ۴. تابستان، صص ۲۰۸-۱۸۹.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵) مطالعات نظری تطبیقی در باب انقلاب‌ها، تهران: انتشارات کویر.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۷) نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آنها در همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، ش ۳۶. زمستان، صص ۹۸-۷۳.

Belloc, Hilaire. (1911). The French Revolution. London: Williams and Norgate.

BESTER, DAVID. (2011). Song and struggle: "The Internationale". Retrieved from: <http://www.peoplesworld.org/article/song-and-struggle-the-internationale/>

Bohlman, Philip Vilas. (2004). The Music of European Nationalism: Cultural Identity and Modern. Santa Barbara, Calif. : ABC-CLIO, ©2004.

https://books.google.com/books?id=fkQf7k2OaDcC&printsec=frontcover&source=gbs_ge_summary_r&cad=0#v=onepage&q&f=false

- Castoriadis, C. (1987). *The Imaginary Institutions Of Society*. Cambridge: Polity Press.
- Cerulo, Karen A. (1989). "Sociopolitical Control and the Structure of National Symbols: An Empirical Analysis of National Anthems". *Social Forces*. Vol. 68, No. 1 (Sep., 1989), pp. 76-99.
- Cipriani .Frank Domenico. (2018). 'TO TALLY BADASS MUSIC' - THE SOVIET NATIONAL ANTHEM AS A COMMUNICATION DESIGN. *GESJ: Musicology and Cultural Science* 2015| No.2 (12). Retrieved from: <file:///D:/article%20dr%20ghafari/2584.pdf>
- Cohen, Anthon p. (1995). *The Symbolic Construction of Community*. London and New York: University of Manchester.
- Crawford, Katlyn Marie. (2011). *France and the United States: Borrowed and Shared Ntional Symbols*. Thesis Prepared for the Degree of MASTER OF ARTS. UNIVERSITY OF NORTH TEXAS. Retrieved from: <file:///D:/article%20dr%20ghafari/art/thesis.pdf>
- Cusack, I. (2005) "African National Anthems: 'Beat the drums, the red Lion has roared' ". *Journal of African Cultural Studies*
- Daughtry, J. M. (2003). "Russia's new anthem and the negotiation of national identity". *Ethnomusicology*. 47(1), 42-67.
- Dufourg, Frédéric. (2003). *La Marseillaise*. Paris: Éditions du Félin.
- ELGENIUS, GABRIELLA. (2005). *EXPRESSIONS OF NATIONHOOD: NATIONAL SYMBOLS AND CEREMONIES IN CONTEMPORARY EUROPE*. London: University of London
- Fiaux, Louis. (2013). "La Marseillaise": son histoire dans l'histoire des Français depuis 1792. Paris: Librairie Charpentier et Fasquelle, 1918. Print.
- Gilboa, Avi; Ehud, Bodner. (2009). What are your thoughts when the national anthem is playing? An empirical exploration. *Psychology of Music* 37. originally published online 15 May 2009. Available in: <https://doi.org/10.1177/0305735608097249>
- Gluckstein, Donny. (2008). "Decyphering The Internationale: the Eugène Pottier code". Retrieved from: <http://isj.org.uk/decyphering-the-internationale-the-eugene-pottier-code/>
- JACK S. LEVY AND WILLIAM R. THOMPSON(2011) *THE ARC OF WAR*. CHICAGO: University of Chicago Press.
- Kevin D. Aslan, (2017). "How is the French National Anthem, La Marseillaise, used today?". Retrieved from: <https://www.quora.com/How-is-the-French-National-Anthem-La-Marseillaise-used-today>
- Kokolo, Madzouka B. (2015). *Militaristic national anthems and public ethics Is it about time to revise La Marseillaise?* Major research paper submitted to the Faculty of Human Sciences and Philosophy, School of Public Ethics, Saint Paul University, in partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Arts in Public Ethics. Ottawa, Canada.
- Kolsto, Pal., (2006). "National symbols as signs of unity and division". *Ethnic and Racial Studies*. 29(4); 676-701
- Kots, A. (1902). "The Internationale, (electronic translation)". Retrieved from: <http://www.marxists.org/archive/marx/works/1845/theses/index.htm>, accessed Dec. 2013.

- Kyridis, Argyris; Mavrikou, Anna; Zagkos, Christos; Golia, Paraskevi; Vamvakidou, Ifigenia & otopoulos, Nikos (2009). "Nationalism through state constructed national symbols. The case of the national anthems. Article". **The International Journal of Interdisciplinary Social Sciences: Annual Review**. 4(6):1-14 · January 2009. Available in: www.socialsciences-journal.com
- Languedoc. (n.d.). "Living in the Languedoc: Central Government: French National Anthem: The Marseillaise". Retrieved from: http://www.midi-france.info/06141202_marseillaise.htm
- Lestz, Margo: (2018). "The Marseillaise: The French National Anthem". Retrieved from: <https://curiousrambler.com/2018/07/13/the-marseillaise-the-french-national-anthem/>
- Levy, Jack and William R Thompson. (2010). Causes of War. West Sussex: Wiley-Blackwell, 2010.
- Likhacheva, Yulia., (2009). "Nation-Building in Contemporary Russia analysis of National Anthem". *Social Forces* 68(1): 76-99.
- Marshall, Alex (2015). 'Why la marseillaise is the only song that matters right now' <http://www.bbc.com/culture/story/20151117-why-la-marseillaise-is-the-only-song-that-matters-right-now>. 17 November 2015
- Price, R. (2007). 'Russian nationalism: creating a civic identity'. Groundings, Glasgow University Dialectic Society, Retrieved from <http://eprints.gla.ac.uk/3726/1/price3726.pdf>
- Richard. Bernard (2009). 'La Marseillaise: asong of the war a song of the freedom' <http://www.cheminsdememoire.gouv.fr>
- Shtan'kola, M. A.; Skvortsova1, V. N.; Shcherbinin2, A. I.; Rudneva1, Elena L. & Spichenko Tatyana A. (2016). 'The origins of Japanese national symbols'. SHS Web of Conferences 28. 01094. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License 4.0 (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>). P 2
- Soboleva, N. A. (2009). 'The Composition of State Anthems of the Russian Empire and the Soviet Union'. *Russian social science Review*. Vol. 50. No. 2. March-april. Pp 67-94.
- Stanford.edu. "Russia and The Other: A Cultural Approach. Slavic 194 (Fall 2003) Note on the Anthem History". Available from: https://web.stanford.edu/class/slavgen194a/hymn/anthem_history.htm
- Volume 17, 2005 - Issue 2.
- Toader-Williams, Adrian (2017). National identity and symbols; hidden aspects of USA, European Union, French, Hungarian and Romanian National Anthems. published in „EURÓPAI IDENTITÁS(OK), IDENTITÁSOK EURÓPÁBAN” „IDENTITÉ(S) EUROPÉENNE(S), IDENTITÉS EN EUROPE” „EUROPÄISCHE IDENTITÄT(EN), IDENTITÄTEN IN EUROPA” Pages 269-287. NationalIdentityNationalAnthems-AdrianTOADER_WILLIAMS1706282217BOOK-emailedtextfrombook1.pdf
- YEGOROV, OLEG. (2018), "What is the puzzling story behind Russia's national anthem?" Available from: <https://www.rbth.com/history/327753-russian-national-anthem>
- YuChen., (2010). An empirical study of Hispanic American national anthems. The University of Texas at Austin .